

عشق ساغر

نویسنده:

فریبا صادق زاده

شناسنامه کتاب

نام کتاب:	عشق ساغر
مؤلف:	فریبا صادق زاده
ناشر:	مهرفر
قطع:	رقعی
چاپ:	افق
لیتوگرافی:	تیزهوش
قیمت:	۱۰۰۰۰ ریال
تیراژ:	۲۰۰۰ جلد
تاریخ نشر:	بهار ۸۴
	نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۶۴-۹۵۲۰۴-۴-۹

مرکز پخش ۱:

قم/ غ ازم/ مقابل پاساژ قدس/ داخل زیرزمین نشر فاضل (کوثر)/ تلفن: ۷۷۳۹۳۹۲

مرکز پخش ۲:

قم/ میدان سعیدی/ کوچه پورزند/ پلاک ۳۳/ نشر مهرفر/ تلفن: ۶۶۳۵۵۴۳

«هو الجمیل»

مقدمه:

از دیرباز و اعصار کهن بزرگان و ادیبان ما چنین فرموده‌اند: ...
عشق انتظاری است بی‌پایان. ایثاری است برای رسیدن به وصال
محبوب. روشنایی دل و جان است و شکوهی است آینده‌ساز.
در طول زندگی، با خود بسیار اندیشیده‌ام که چسان می‌توان
واژه مقدس و آسمانی عشق را با زبانی شیوا و روان تفسیر نمود؟
نمی‌دانم؟ شاید خوب و کامل ... شاید صغیر و ناقص ... اما به
عقل خویش تا آنجا که احساسم مرا یاری نموده، سعی بر این
داشته‌ام که دیگران را در شناختن مفهوم و معنای این واژه تا حد
امکان یاری بخشیده، افکارشان را به سوی لطافت و ظرافت واژه
عشق سوق بخشم.

همواره بر این امید زیسته‌ام که شما عزیزان و خوبان همیشه
همراه در راه شناخت هرچه بهتر مفهوم این زیباترین ودیعه الهی در

نزد بشر، این حقیر را یاری و مساعدت نموده، صادقانه راهنمایم باشید. تا جایی که من استنباط نموده‌ام، همانا عشق عطش است و شیفتگی و قربانی شدن در راه وصال یار. آخر تا انسان عطش را تجربه نکند، هرگز لذت سیراب شدن از می ناب را درک نخواهد نمود. تا شیفته و شیدای جمال یار نگردد، طعم دلنشین وصال را نخواهد چشید. و.... تا انسان جان ناقابل خویش را در راه رسیدن به محبوب و معبود خویش در طبق اخلاص قرار ندهد، هرگز نخواهد توانست در جرگه عشاق جاوید وارد گردد.

آخر مگر نه اینکه پروردگار عالمیان خود در حدیثی قدسی چنین فرموده است:

«هر که را دوست بدارم، عاشقش خواهم شد. هر که را عاشقش گردم، او را خواهم کشت. هر که را که کشتم، خود دیه‌اش را متقبل خواهم شد. هر که را که دیه‌اش را متقبل گردم، همانا بهشتم را به او ارزانی خواهم داشت». بنابراین با عنایت به حدیث شریف فوق، چنین استنباط می‌شود: که چون انسان در جرگه عشاق وارد گردید، همانا از فدا نمودن گرانبهاترین سرمایه‌های خویش که جز جان شیرین نیست ابایی نخواهد داشت.

«چون عاشق صادقی زمردن مهراس مردار بود هرآنکه او را نکشند»

چون عشق و جوانی درهم آمیزند، قادر خواهند بود با دست یافتن به نردبان ایثار و گذشت، انسان را مقامی والاتر از ملائکه ... بخشیده، به اشرف مخلوقات بودن انسان جامه عمل بپوشانند.

بیائیم دست در دست هم با پرورش عشق و عاشقی، لطف پروردگار را بر تار و پود وجودمان جاری ساخته، اندیشه‌های پاک و زلال را در دفتر باورهایمان ابدی و جاویدان سازیم.

بیائیم باور کنیم که: «در پس هر طلوع غروبى است، در پس هر غروب طلوعى دیگر... و این تکرار موزون و مکرر چیزی نیست مگر گذران عمر آدمی.»

خوبان، دوستان، یاران همیشه همراه و هم‌گام:

امیدم اینست که با تمام لطف و احساسات، صداقت و یکرنگیتان را دست مایه قرار داده، دستان سرد و لرزانم را به گرمی بفشريد. یاریم کنید تا به جوانان این مرز و بوم عاطفه خیز و عاشق پرور بیاموزیم که اجازه ندهند دون صفتان و هوسبازان، این گرگان با لباس میش خو گرفته، واژه مقدس و اهورایی عشق را به مسخره گرفته، از آن دستاویزی سازند برای فریب و گمراه نمودن دختران

پاک و معصوم، بیائید اجازه ندهیم تا ناموس سرزمین الهی ما را به ورطه تباهی و نیستی بکشانند.

بیائید به آنها بیاموزیم که: عشق را تنها لایق یکی است، آنها وجود لایزال حضرت دوست، بیائیم. دنیا را با گلبرگهای زیبا و دوستداشتنی و معطر به عطر دل‌انگیز احساس و معرف آذینی جاوید بخشیده، صفا و صمیمیت خویش را با تیره‌گی و تباهی معاوضه نکنیم.

سعی نمائیم با عنایت به فرمایش گهربار خاتم رسول، محمد امین، که فرمود: «دمی تفکر و تعقل نمودن برابری می‌کند با هفتاد سال عبادت خداوند» ... تباهی و نیستی را از رهایی، راه را از بیراهه، عشق را از هوس و شهوت، تشخیص داده و نه تنها خود که دیگران را به سوی طریقت الهی هدایت نمائیم. باشد که در همه حال سربلند و مسرور باشیم.

در خاتمه ضمن تقدیر و تشکر از کلیه عزیزان و دوستان از جمله دوست عزیزم جناب آقای حسینی که مرا در بازنویسی این سرگذشت عبرت آموز صادقانه یاری نموده‌اند قدردانی نموده، و برای تمامی شما عزیزان فرداهایی سرشار از عشق و دوستداشتن را آرزو مندم.

با تشکر و احترام

یکی از شما - فریبا صادق زاده - شیراز